

حاشیه‌ای بر اختلافات درون "کمیته هماهنگی"

صدیق جهانی

بیست هشتم دی ماه هشتاد و شش

دوستان و همسرنوشتان عزیز!



تشکیل "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری"، به عنوان یکی از سنگرهای مبارزه و تشکل یابی کارگری خیر مسرت انگیزی بود که هر فعال کارگری واقعی را خوشحال کرد.

امید این بود که این تشکل دستها و قلبهای کارگری بیشتری را به هم نزدیک کند. امید این بود که شما صدای گرم اتحاد و همبستگی کارگری را به تک تک خانه های کارگری برده و نشان دهید که حتی در این دوران سیاه فقر و خفقان نیز باهم بودن، باهم همفکری کردن، باهم مبارزه کردن و اتحاد و همبستگی کارگری نه تنها ضروری بلکه ممکن است. امید این بود که این گام با هر کم و کسری به گامهای سترگ تری در مبارزه کار علیه سرمایه تبدیل شود. امید این بود که این "کمیته" ابزاری برای تسهیل تشکل یابی توده ای کارگری علیه سرمایه باشد!

تصویر امروز از "کمیته هماهنگی" اما، با کمال تاسف، فرسنگها از امید اولیه فاصله دارد. در حالی که سخنگوی این کمیته، محمود صالحی، توان مبارزه علیه سرمایه را با تنی بیمار و روحی عشق ورز در زندان جمهوری اسلامی میبرد، در حالی که هزاران چشم مشتاق و قلب نگران سرنوشت او را در اقصی نقاط جهان دنبال میکنند. در چنین شرایطی، اعضای "کمیته هماهنگی" می بایستی بجای دامن زدن به اینگونه مباحثات نگران کننده، تمام توان و انرژی خویش را روی اتحاد کارگری و سازماندهی آنها حول آزادی "محمود صالحی" متمرکز می کردند. متأسفانه **جمعی** از این رفقا، نه تنها این کار را نکردند بلکه به تسویه حسابهای "خطی"، نظری و شخصی بهاء دادند. از این بدتر، تعدادی از این فعالین که مدعی تقویت اتحاد و همبستگی کارگری می باشند، در حال کشت و آبیاری تخم نفاق، نفرت و دوری گرفتن از یکدیگر هستند!

آنهاییکه بطور روزافزون فرمول زرق و برق دار مبارزاتی را اختراع می کنند، بلاخره در این دوره نشان دادند که تنها کارشان دامن زدن به رقابت، ریا، پشت پازدن، تهمت، افترا و غیرو می باشد. این فرهنگ از جنس فرهنگ دیالوگ کارگری برای دست یافتن به راه حلی بهتر در مبارزه و تشکل یابی کارگری نیست. امید من این است که این رفقا، به جهتی بپیوندند که "محمود صالحی"، "بهزاد سهرابی"، "محمد عبدیپور"، "سید جلال حسینی" و ... در پیش گرفته‌اند.

رفقا، آیا بعد از این همه تجارب انتظار "بلوغ مبارزاتی" از شما انتظار بی جایی است؟ تا کی قرار است منافع جنبشی فدای منافع کوتاه نظرانه فردی بشود؟ تا کی قرار است استقلال طبقاتی جنبش کارگری فدای خود محور بینی گردد؟ آیا در روز روشن نمی بینید که "فرمول های طلایی" انحصاری نظیر "استراتژی"، "ضد سرمایه داری"، "الغو کار

مزدی" و غیرو ابزار تفرقه، نفاق، نفرت و دوری فعالین کارگری از یکدیگر است؟ آیا این توقع اولیه نابجایی است که هر تحلیل، تئوری، فرمولی را که موجب تفرق در میان شما میشود را دفع و نظریه های و تحلیل هایی که دوستی، رفاقت، اتحاد و همبستگی میان شما را تقویت میکند را در آغوش بگیرید؟ سخنگوی کمیته شما در زندان است! آیا توقع بالایی است که برای آزادی ایشان وحدت و همبستگی خود را حفظ کنید؟ وقتی بر سر راه این حداقل انتظارات، در بین شما نیش ترمز وجود دارد، تکلیف شعار "کارگران جهان متحد شوید!" را برای همسایه و کارگر بغل دستی چطور روشن می کنید؟ فراز و نشیبهای مبارزاتی و نیازمندی توده های کارگر و زحمتکش، ثابت کرده که دهها و صدها نهاد نظیر "کمیته هماهنگی" نمی تواند پاسخگوی نیاز طبقاتی کارگر ایرانی باشد! "کمیته هماهنگی" قرار بود به گوشه ای ولو کوچک از نیازمندیهای انسان های محروم کمک برساند. اما در بطن چنین فضای، بیم آن می رود که این اندک توقع نیز جابجا نشود! رفقا، رمز و محک موفقیت شما در این دوره حفظ "کمیته هماهنگی" به عنوان تبلور حفظ اتحاد و همبستگی کارگری است!

رفقا و دوستان عزیز!

زخمها را تا عفونی نشده میشود و باید مرحم زد! اجازه ندهید ویروس نفاق که در آزمایشگاه سکتاریستی تولید میشود پیکر شما را نیز به عفونت بیالاید! مشکل شما نه استراتژی است و نه اساسنامه! حتما باید سر بسیاری از مسائل از جمله استراتژی و اساسنامه نیز جدل کرد، دعوا کرد، اختلاف داشت و غیرو. اما همه اینها حتی اگر به نتایج خوبی هم برسد بدون ابزار انسانی تحقق آن فقط بدرد آدمهای حراف میخورد تا پیش برد مبارزه کارگری! از این رو متوجه می شویم که بدون ابزار نمی توان دگرگونی را بوجود آورد. شما بهتر میدانید که دست چند کارگر را در دست هم گذاشتن، برای هدف معینی همدل شدن، بویژه در این دوره، پروژه بزرگی است! بنابراین، خشت های روی هم گذاشته تاکنونی را به این راحتی به هم نریزید! شما قبل از هر چیز نیازمند حفظ حرمت یکدیگر، حفظ دوستی ها، مراودتها و تحکیم همبستگی و اتحاد کارگری میان خود و گسترش آن در میان کارگران بیشتری هستید! اولین تجمع خود را بجای "تعیین تکلیف" بر سر اساسنامه و بحث های کشاف نامربوط به این دوره، به پاسخ به این سوال معطوف کنید: چگونه میشود رفاقت، همدلی، اتحاد و مبارزه مشترک میان فعالین و هواداران "کمیته هماهنگی" را تقویت کرد؟ اکثریت شما با هدف پاسخ مثبت به این سوال دور هم جمع میشوید! کاری کنید که نتیجه تجمعتان تقویت هدف اکثریت اعضا و هواداران "کمیته هماهنگی" و دوستداران شما، از جمله، امثال من باشید!

با آرزوی موفقیت و همبستگی بیشتر!

صدیق جهانی

۱۶ ژانویه ۰۸ - ۸۶/۱۰/۲۶